

ثقل و بررسی

مفهوم معرفت فطری

از مکتب تفکیک

رضا مختاری

سرشناسه	: مختاری، رضا
عنوان	: نقد و بررسی مفهوم معرفت فطری در مکتب تفکیک/ رضا مختاری
مشخصات نشر	: تهران: مکتبه الصدیقه الشهیده، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	: ۱۰۵ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۴۰۲-۱-۵
فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: معرفت فطری/ نقد مکتب تفکیک
موضوع	: شناخت و اثبات خداوند/ تعقل و برهان
موضوع	: فلسفه، کلام- خداشناسی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ن ۷ م ۳/ BP۲۱۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۲
شماره کاتالوگ	: ۴۶۹۹۵۶۳



نقد و بررسی مفهوم معرفت فطری در مکتب تفکیک

نویسنده: رضا مختاری

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۶

قیمت: ۱۰/۰۰۰ تومان

ناشر: مکتبه الصدیقه الشهیده، تهران

مرکز پخش: ۰۹۱۹۳۹۰۸۹۵۰

مقدمه نشر

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن الدائم
على أعدائهم أجمعين ما بقيت السماوات على الارضين.

شیخ کلینی رضوان الله تعالی علیه در کافی در نوادر کتاب العلم مسندا از
امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

«وعدت علم الناس كله في أربع أولها ان تعرف ربك والثاني أن تعرف ما
صنع بك الثالث أن تعرف ما أراد منك والرابع أن تعرف ما يخرجك من
دينك»

اما بعد، مخفی نیست به هل سداد و رشاد آنچه خداوند تعالی تکلیف
کرده است بر عباد از معرفت پر ردگارشان و معرفت آنچه موجب خروج
ایشان از دین حق و عدم فوز به سعادت دامن می شود. و ارشاد فرموده
است که کمال معرفتش تصدیق بأنه شيء بخلاف الأشياء وبأنه شيء خارج
عن حدي التعطيل والتشبيه است، امیرالمؤمنین علیه السلامات الله وسلامه علیه
بنا بر نقل رضی در اوائل نهج فرموده اند:

«أول الدين معرفته وكمال معرفته التصديق به وكمال
توحيده وكمال توحيده الإخلاص له وكمال الإخلاص له نفي الصفات عنه»،
الخبر. یعنی صفات مخلوقات و مصنوعات.

فان قلت: پس آنچه در اخبار شریفه مانند روایت کلینی بمسند عن أبي
الحسن علیه السلام قال: سألته عن أدنى المعرفة فقال: «الافرار بأنه لا إله

غیره ولا شبه له ولا نظیر وأنه قدیم مثبت موجود غیر فقید وأنه لیس کمثله شیء» آمده است چگونه می باشد حال اینکه در این صورت فرقی بین کمال معرفته و ادناها باقی نمی ماند؟

قلت: کمال در این روایت شریفه در مقابل نقصان است و ادنی المعرفة بمعنای معرفت ناقصه نمی باشد کما اینکه شاهدش در اخبار بسیار است و کما اینکه مرحوم خوئی در شرح کمال را در مقابل نقصان قرار داده است و نقصان را به تنویز شریک تفسیر نموده است پس در ما نحن فیه مقابله کمال با ادنی غلط است و این در عبارت شریفه یک معنی را افاده می کند و آن اقرار به شیء بخلاف الأشياء و لیس کمثله شیء و موجود مثبت لا شریک له است و لا غیر.

والحاصل، کمال المعرفة همان ادنی المعرفة است و هر دو آنها تصدیق و اقرار به وجود شیء بخلاف الأشياء است و کمتر از این معرفت نامیده نمی شود یا معرفت به غیر خداست و غیر مجزئ علی حد تعبیر بعض اخبار.

فإن قلت: پس مقابل ادنی المعرفة چه چیز است؟

قلت: جواب صوفیه و اهل تفکیک آن است که أعلى المعرفة و احصاء و ما یقابل ادناها شهود است بدین معنی که وجود را شهود می کند و این را صدیق می نامند و در شهودش جز حق واحد بسیط را نمی بیند و معنای جمله اخیر این نیست که چیزی جز آن واحد بسیط است که آن را در نظر نمی گیرد بلکه به حقیقت می یابد که چیزی جز وجود واحد بسیط در دار وجود نیست و تعدد واقعی ندارد کما علیه بعض السوفسطائیه، و این همان الغایة القصوی فی

التوحيد نزد این جماعت است که به روغن مستخرج از گردو تشبیهش می‌کنند.

لکن اهل تفکیک برای تفرقه ظاهری کلامشان با کلام صوفیه گفته‌اند این شهود به تعریف خداست نه اینکه ما او را بشناسیم بلکه او ما را می‌شناسد کما اینکه شیخ محمود حلبی در درس دوم معارف الهیه و غیر آن می‌گوید: ما کنه ذات خدا را می‌شناسیم به تعریف او ما را و رئیس مکتب شازن، پیرزای اصفهانی در ختام الخاتمة فقیه واقعی را کسی می‌داند که از صدر، اذین، سروت را شهود کند و به علم حضوری دریابد و امثال این افکار بشری.

و این اجوبه بطلانش در موضع خود آمده است فضلا از اینکه نزد اهل شرع انور و اهل حقیقت و تعقا بطلانش اوضح من أن یحتاج إلى إیضاح می‌باشد.

اما آنچه از اخبار شریفه استفاده می‌شود آن است که یا أدنی المعرفة که ظاهرا در هیچ روایتی در کلام امام نیامده است و کلام این است، مفهوم ندارد و یا اینکه أقصى المعرفة وأعلاها به درجات التزام و تعهد و علم به تفصیل صفات بر می‌گردد نه به اصل تصدیق عقلی لیس که شیء وأنه منزّه عن صفات المخلوقین وأنه لا تدرك ذاته وأنه شیء بخلاف الأشياء.

کما اینکه وقتی اعرابی از رسول خدا پیچ پرسید ما معرفة الله حق معرفته؟ قال: «تعرفه بلا مثل ولا شبه ولاند وأنه واحد أحد ظاهر باطن أول آخر لا کفو له ولا نظیر فذلك حق معرفته».

و وقتی از امیرالمؤمنین و سید الموحدين سوال شد في حديث: كيف عرفك نفسه؟

فقال: «لا تشبهه صورة ولا يحس بالحواس ولا يقاس بالناس» الخير.

پس صاحب أعلى المعرفة نفروندند خداوند ذاتش را به من وجدان کرد و من شهود کردم وجود حق را مضاف بر اینکه محکّمات مذهب که موبد بعقل و اجماع علمای اعلام است را در این بحث ذکر نمودیم و غایة الأمر أقصى المعرفة اگر باریده باشد معرفت شهودی المعبر عنها في لسانهم بالمعرفة الفطرية نیست.

آنچه بیان شد به بیان قاصد و فائز مالی از مسالك در معرفة الله تعالى بود.

شعر:

للناس في المعارف مسالك

وماعدا الواحد منها هالك

و آن طریق ناجی غیر هالك المتفق عليه عند جمیع ائمة المشرع جز معرفت حق تعالى با استدلال عقلی از روی آثار و مخلوقاتش نیست.

كما قال الامام الرضا عليه السلام: «بصنع الله يستدل عليه» و قال تعقّد معرفه» وقال اميرالمؤمنين صلوات الله وسلامه عليه: «جعل الخلق دليلا عليه فكشف به على ربوبيه» وقال الصادق عليه السلام: «ولا يعرف إلا بخلقه» وقال الإمام الرضا عليه السلام: «الدال على وجوده بخلقه ويحدوث خلقه على أزليته» وقال الامام الباقر عليه السلام: «موصوف بالآيات ومعروف بالعلامات» وقال الامام الرضا عليه السلام: «يعرف بالآيات ويثبت بالعلامات» وقال

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه: «بالفکر تثبت حجت» و این اولی از بعضی از غیر این نسخه است، فتأمل جيدا.

و همین راه است که طریق انبیاست، امیرالمؤمنین علیه السلام والصلوة فرمودند: «الذي سئلت الأنبياء عنه فلم تصفه بحد ولا ببعض بل وصفته بفعاله ودلت عليه بآياته» الخبر.

و نفرمودند خدا را شهود کنید و در فطرت خود بیا بید بلکه دائما اقامه دلیل نفرمودند و مردم را ارجاع به عقل و فکر می دادند نه کشف و شهود به خلاف درین شیخ محمد حلبی در سراسر کتاب مسمی به معارف الهیه. وبالجملة شاید این نسخه را کوشیده اند تا دام های خود را بر جاده حقیقت و معرفت صحرای یک راه با شتر نیست و آن راه دوست داران و شیعیان بما هم شیعه اهل بیت است بیافکنند و در این مسیر از هر کیدی و مکرری سود جسته اند و با نام تفکیک بین معارف انبیاء و معارف بشری چیزی جز اوهام و خیالات خود همانند سبیه ارائه نکرده اند و در راستای ازهاق باطل منحرفان و بیان آنچه انسان را از دینش خارج می کند که در ذیل حدیث اول این نوشته فرموده بودند، علماء اهل اسلام و فضلاء مذهب همیشه آستین جهد بالا زده اند فمنهم برادر بزرگوار و حسیق شفیق ذوالقربحة المستقیمة والفطرة السلیمة الأستاذ المحقق المصنف المدقق رضا المختاری الخوئی زید عزه و دامت تأییداته که به حق آنعب نفسه در قرائت و فهم صحیح منصفانه بر مبنای عقل و شرع و فحص کتب تفکیک که قسم مهمی از آن مخطوطاتی است که ابناء از اظهارش دارند غالباً و بحمد الله

وفضله خرج هذا السفر الجليل إلى النور في مكتبة الصديقة الشهيدة للنشر والطباعة فصار نورا على نور فلله در الجميع وعليه أجرهم المنيع.

ونسأل الله تعالى بعميم جوده وأفضاله وجسيم منه ونواله أن يجعل هذا المجهود ذخرا له ولنا يوم الميعاد وينفع به شيعه خير البرية والعباد في الدنيا وفي يوم بعث الأرواح مع الأجساد ويهلك أهل العصبية والكبر والعناد.

كتبه الأقل محمد النجفي المدعو بعبدالحجة

ليلة الخميس، مستهل شعبان المعظم سنة ١٤٣٨ هـ.ق.

النجف الاشرف

فهرست

۱۲.....	مقدمه.....
۱۳.....	بخش اول.....
۱۴.....	فصل اول: ارزش و جایگاه عقل در خداشناسی از منظر روایات و مکتب تفکیک.....
۲۰.....	فصل دوم: تفاوت های معرفت فطری الهی با معرفت فطری انحرافی.....
۲۶.....	بخش دوم.....
۲۷.....	فصل سوم: بررسی تطبیقی تئیکیان در امکان شناخت کنه ذات خداوند.....
۳۶.....	فصل چهارم: مدای معرفت قلبی.....
۴۲.....	فصل پنجم: تفکر در ذات خداوند، گمراهی است.....
۴۶.....	فصل ششم: وجوه مختلف سبای صحیح معرفت خداوند به خودش.....
۵۱.....	فصل هفتم: کمال معرفت خداوند.....
۵۴.....	بخش سوم.....
۵۵.....	فصل هشتم: عالم در از منظر روایات و مکتب میرزا مهدی اصفهانی.....
۶۲.....	بخش چهارم.....
۶۳.....	فصل نهم: شناخت مخلوقات و تصدیق عقلی، تنها راه خداوندی.....
۶۸.....	فصل دهم: اهل بیت (ع) تنها راه شناخت صحیح خداوند.....
۷۸.....	فصل یازدهم: بینونت خالق و مخلوق.....
۸۲.....	فصل دوازدهم: ارزش تعریف سلبی در معرفی خداوند.....
۸۶.....	فهرست موضوعی.....
۱۰۴.....	منابع.....

مقدمه

در مکتب میرزا مهدی اصفهانی معرفت فطری به معرفتی اطلاق می‌شود که نقطه مقابل معرفت عقلی است و برای رسیدن به این معرفت فرد باید از تمامی معقولات و استدلالات عقلی و افکار و دیشه‌ها جدا شده، به گونه‌ای که زمینه هرگونه استدلال و تعقلی منتفی گردد. در حالی که از معانی صحیح معرفت فطری، این است که انسان به گونه‌ای روشن و بدیهی به وجود خداوند تعالی اقرار و تصدیق داشته و نیازی به اقامه براهین پیچیده و دشوار و طولانی ندارد. در این معنی نیز سنخ معرفت و شناخت، استدلالی و عقلی است اما استدلالی در نهایت سادگی و بداهت و روشنی. ولی در معرفت تفکیکی، اصولاً هیچ معنای ایشان به گونه‌ای دیگر بوده و استدلال عقلی مطلقاً ابطال می‌شود.

از دیگر ادله تفکیکیان برای اثبات مدعای خود، استناد به عالم ذر بوده که طبق مدعایشان در آنجا کنه ذات خداوند به طور مستقیم شناخته می‌شود به طوری که هرگونه واسطه بین عارف و معروف از میان می‌رود. ما ضمن بررسی ادله ایشان با ارائه ردیه‌ای ثابت خواهیم کرد که سنخ معرفت در عالم ذر نیز عقلی بوده است.

و نیز به بررسی معانی احادیث معرفه الله تعالی بالله و ادعای شناخت کنه ذات باری تعالی توسط تفکیکیان خواهیم پرداخت.